

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ح. بریالی
۱۴ دسمبر ۲۰۱۸

طرح حکومت موقت در افغانستان "احتمالات" تقسیم رسمی قدرت با طالبان

با نبود یا از میان برداشته شدن بن لادن و ملا عمر، قطع رابطه طالبان با القاعده و انصراف شان از ادعای بر پائی حکومت شرع اسلامی در سراسر جهان، مؤلفه های اساسی و ظاهراً خوشحال کننده ای است برای کشورهای غربی و هم چنان روسیه که طالبان را به اصطلاح از آن ماهیت عصر حجر و تخاصم با تمامی کشورهای غیرمسلمان برحذر می دارد؛ تطهیر این چینی طالبان به حیث یک پروژه واضح سیاسی و مرآمده با آن، در خدمت سیاست های منطقه ئی کشورهای بزرگ امپریالیستی و معاملات آینده به کار گرفته می شود.



اعلام موضع رسمی امریکا از همان اوان حاکمیت اوپاما الی اکنون مبنی بر این که طالبان دیگر دشمن ما نیستند و جنگ در افغانستان راه حل نظامی ندارد و باید راه حل و فصل سیاسی و غیر مسلحانه برای منازعه افغانستان جست و جو شود، دو تا از عوامل برجسته ای است که در سیاسی جلوه دادن طالبان و تبدیل آنها از جنس تروریست های اسلامی که طی این همه سال هزاران قربانی از مردم افغانستان گرفتند و می گیرند به نیروهای به اصطلاح مدنی که به درد

حکمرانی بر مردم افغانستان می‌خورند، برنامه و ستراتیژی سرمایه غربی بود که روی دست گرفته شد و اکنون در عمل، به نحوی ثمراتش را می‌چینند.

دقیقاً ناشی از درک چنین یک تصویری است که سوسیالیست‌های افغانستان در همان اوایل و البته به کرات گفته بودند که جنگ ناتو و امریکائی‌ها در افغانستان علیه طالبان به نام مبارزه علیه تروریسم اسلامی یک دروغ محض است و این فریبکاری سیاسی اساساً در خدمت پیاده شدن ارتش ناتو در افغانستان و یک کاسه نمودن ارتجاع اسلامی بورژوازی در افغانستان قرار دارد. فراموش نشود که احتمالات معامله سیاسی با طالبان بخش و رُکن اصلی فلسفه سیاسی اقتصادی نظام سرمایه داری را تشکیل می‌دهد که عامل اقتصادی و حفظ این منافع بر مبانی محاسبه‌های ستراتیژیک مادی به حیث اولویت مسأله نزد آنها از جمله تعیین کننده ترین عامل به شمار می‌رود نه به لحاظ صرفاً فرهنگی یا حقوق بشری و ادا‌های دموکراتیک. به طور مثال جنسیت و ماهیت امارت اسلامی طالبان و یا شریعت غرای محمدی در هیچ چهارچوب آزادی‌های مدنی و گشایش‌های اجتماعی مدرن تناسب ندارد، اما همین گروه وحشی به لحاظ ساختار و مطالبات یا نظام اقتصادی‌اش، مدافع راستین بازار آزاد و بسط مناسبات استثمار است که می‌تواند با تمامی نظام اقتصادی سرمایه داری در تمام جهان همخوانی داشته باشد. فقط به شرطی که چنین نیروئی علیه منفعت غربی‌ها و کشورهای بزرگ صنعتی به سلاح و خشونت متوسل نشود و به خصوص علیه منافع اقتصادی غرب و امریکا خصوصت نورزد.

۱۸ سال جنگ و گریز امریکا و ناتو با طالبان که نه به جنگ بلکه بیش‌تر به همان گریز و ممانعتات و سازش‌های سیاسی شباهت داشت، نشان داد که غرب و ناتو و نیز روسیه و دیگران در وجود طالبان نه این‌که آن‌ها را تروریستی نسبت به منافع ملی خود را می‌دیدند بلکه به‌عکس مقدمات تماس‌های مخفی و علنی با این گروه را هموار می‌کردند که بالاخره محصولش را اکنون می‌توان مثلاً در جمع ساختن طیف وسیع‌تر ترکیب سیاسی طالبان و کرزی، اشرف غنی و گلبدین حکمتیار با حواریونش همراه با تطمیع سران به اصطلاح قومی هزاره و ازبیک به حیث تکت واحد سیاسی و اقتصادی، برای غرب و ناتو و دیگران دید و به گمان غالب این احتمال و معامله سیاسی ورق تازه‌ای است هم برای ایجاد یک ترکیب ارتجاعی تر حاکمیت بورژوازی البته با ماهیت حفظ منافع ابر قدرت‌ها و استقرار و ثبات سیاسی، اقتصادی نوع خاص آنها و بالتبع آن ثبات امنیتی در افغانستان آینده.

بدین وسیله با چنین چشم اندازی هم برای ناتو و غربی‌ها و هم رقبای روسی و منطقه‌ئی‌شان دو هدف اصلی که اولی همان حفظ منافع قدرت‌های بزرگ و حفاظت اتوریته هر دو کمپ به اصطلاح غرب و شرق در افغانستان باشد و نیز تفاهم ایشان روی منازعه و حضور در افغانستان است، تأمین می‌شود. این امر برای پاکستان طبیعتاً به حیث پیروزی بسیار مهم و رسیدن به اکثریت اهداف سیاسی و ستراتیژیک نظامیان و استخبارات آنها خواهد بود که برایش طی حدود چهل سال هزینه کرده و با همکاری غرب و عرب‌ها به حیث ژاندارم منطقه در ایجاد، تولید و به کاراندازی جبهه جهاد و جنایات توسط اسلام سیاسی در افغانستان، نقش اولی داشته. بناءً طرح حکومت موقت احتمالی توسط امریکائی‌ها در پایان عمر حکومت "غنی و عبدالله" همان ظرفی است که توسط آن به تمام خواسته‌های آزادی خواهانه مردم افغانستان پشت پا زده می‌شود و محیط مناسب سیاسی یا به اصطلاح خود غربی‌ها، دموکراتیک را !! برای یک دست ساختن ارتجاع اسلامی با شراکت و حتی محوریت طالبان و تفکر طالبی و به قدرت رسانیدن شان زیر نام احتمالی مسخره «حکومت وحدت ملی و اسلامی» به میان می‌آورد.

آنچه در بالا مختصراً بیان شد برنامه احتمالی است که در حقیقت به نام جایگزینی صلح به جای جنگ در افغانستان توسط این محور های بزرگ سرمایه داری غرب و روسیه بر مردم افغانستان شاید تحمیل گردد. برنامه و یا همان

صلحی که ما قبلاً در همان اولین مرحله اعلام آتش بس میان دولت و طالب به صورت مفصل بدان اشاره نمودیم. چنانچه فهیم آزاد دبیر سازمان سوسیالیستهای کارگری در پاسخ به پرسشی به این وجه ارتجاعی صلح چنین اشاره کردند. (در واقعیت امر پروژه «صلح» با طالبان و اصرار و ابرام حاکمیت برای دستیابی به آن، قبل از آن که ناشی از خیرخواهی و صلح طلبی هیأت حاکمه باشد ناشی از الزامات دیگری از آن میان تأمین منافع مادی و تحکیم پایه های قدرت سیاسی مادی نیروهای بورژوازی تحقق پروژه های ستراتیژیک قدرتهای امپریالیستی از جمله امریکا در منطقه است. بناءً التزام اینها به «صلح» با نیروی ارتجاعی و قرون وسطائی چون طالبان وتوجیه آن از این حقیقت انکار ناپذیر سرچشمه می گیرد

